

## بررسی فرضیه بردگی زن در دوره ساسانی

کریم گلشنی راد<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۳۰ صص: ۱۶۱-۱۷۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و نقد فرضیه بردگی زن در دوره ساسانی می باشد که براساس روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته است. کهن ترین تحقیق را در مورد وضعیت زن در دوره ساسانی، کریستیان بارتمه در کتاب ((زن در حقوق ساسانی)) انجام داده است. وی معتقد است که در شاهنشاهی ساسانی، بنابر قوانین متداول از قدیم، زن شخصیت حقوقی نداشت، یعنی زن شخص فرض نمی شد بلکه شیئی پنداشته می گردید. بسیاری از نویسندگان و محققین نیز که بعد از بارتمه در مورد وضعیت زن در دوره ساسانی مطلب نوشته اند سخنان وی را تکرار می نمایند. این پژوهشگران، به دلیل وجود سه قاعده یا مسئله مربوط به زنان دوره ساسانی چنین برداشتی ارائه می نمایند که این سه قاعده عبارتند از: ازدواج نروزد یا ازدواج استقرایی، محدودیت های مربوط به مسئله دشتان یا عادت ماهیانه زنان و اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهر خود. در این مقاله مشخص می شود که زنان در دوره مورد نظر برخی محدودیت ها داشتند که این محدودیت ها ریشه در قانون و مذهب آن دوره داشت ولی وضعیت زن مانند بردگان و اشیاء نبود.

**واژه های کلیدی:** زن، بردگی، دوره ساسانی، مرد، خانواده

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ و باستانشناسی دانشگاه لرستان - خرم آباد-ایران.

\* نویسنده مسول مقاله: Golshanirad.k@lu.ac.ir

## مقدمه

پژوهش حاضر با هدف بررسی و نقد فرضیه «بردگی زن در دوره ساسانی» می باشد که این فرضیه نخستین بار توسط بارتلمه بیان گردید و بعدها اکثر پژوهشگران نظر وی را تکرار می نمایند. بررسی در منابع تاریخی بیانگر این مساله می باشد که در ایران عصر ساسانی برعکس بسیاری از جوامع دوره باستان، زنان حضور فعالی در خانواده و جامعه داشتند. تمامی کارهای داخل خانواده و مسئله بسیار مهم تربیت فرزندان توسط زن خانواده انجام می گرفت. بسیاری از زنان علاوه بر کار داخل خانه، به کارهای بیرون مانند سوادآموزی، جنگاوری، کشاورزی، دامداری و صنعتگری نیز می پرداختند. بنابراین زنان بخش مهم و فعال جامعه بودند که در پیشرفت کشور نقش اساسی داشتند. بولسارا در مقدمه ترجمه انگلیسی کتاب «ماتیکان هزار داتستان» می نویسد: «فرمانروایی در خانواده مشترکاً میان مرد و یا کدخدای خانه و زن یا کدبانوی خانه تقسیم شده بود. کدبانو نسبت به اداره امور داخلی خانه، دارای تسلط و آزادی کامل بوده و مرد نمی توانسته در آن دخالت کند (madigani Hazardadistan, 1997, p15).

زنان در این عصر صلاحیت ارائه شهادت در دادگاه را داشتند. در بند بیست و نهم بخش پنجم نیکاتوم نسک<sup>۱</sup> آمده است: «زنی که اهلیت داشته باشد برای داوری و ارائه شهادت صلاحیت دارد» (Dinkard, 1892, p56). در کتاب هیربذستان<sup>۲</sup> (قانون نامه روحانیون) از جمله چیزهایی که شرح داده شده است، وظایف آن روحانی است که برای اجرای تکالیف دینی، به دهات و قصبات اعزام می شود، همچنین ترتیب استخدام زن یا کودکی است که معاونت در اجرای مراسم دینی نماید (hejazi, 1991, p172).

در ایران باستان، ماه اسفند و به ویژه روز اسفند از آن ماه را که «اسفندگان» نامیده می شد، به عنوان روز زن، جشن می گرفتند. ابوریحان بیرونی در کتاب «آثارالباقیه» می نویسد: «اسفندارمذ، فرشته موکل بر زمین است و نیز بر زنهای درست کار و عفیف و شوهر دوست و خیرخواه و در زمان گذشته این ماه، بویژه این روز، عید زنان بوده است. و در این عید مردان به زنان بخشش می نمودند، و هنوز این رسم در اصفهان و دیگر شهرها (شهرهای ناحیه مرکز و غرب ایران) باقی مانده است» (biruni, 2006, p355). در این روز زنان در خانه بر تخت شاهی می نشستند و فرمان می راندند. همه‌ی

<sup>1</sup> nikatim nask

<sup>2</sup> Hirbazestan

کارها بر دست مردان و پسران انجام می‌شد و با توجه به اینکه جشن دیگری به نام مردان برگزار نمی‌شده، برگزاری این جشن به عنوان بزرگداشت زن به شمار می‌رفت.

## پرسی پژوهش

آیا وضعیت زن در دوره ساسانی مانند بردگان و اشیاء بود؟

## پیشینه تحقیق

قدیمترین پژوهش در زمینه وضعیت زن در دوره ساسانی توسط کریستیان بارتلمه در کتاب «زن در حقوق ساسانی» نگارش یافته است. بارتلمه در این اثر مبنای کار خود را فقط کتاب قوانین دوره ساسانی یعنی «ماتیکان هزار دادستان» قرار داده و سایر منابع را مورد بررسی قرار نداده است. وی معتقد است: «در امپراطوری ساسانی بنابر قوانین متداول از قدیم، زن شخصیت حقوقی نداشت. یعنی زن شخص فرض نمی‌شد بلکه شیئی پنداشته می‌گردید. بطور خلاصه زن دارای حقوقی نبود (bartelmeh, 1958, p40). در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» نوشته آرتور کریستن سن بطور مختصر به خانواده ساسانی پرداخته شده و نظریات «بارتلمه» تکرار می‌شود (Christiansen, 2003). علاوه بر این در زمینه نهاد خانواده در دوره ساسانی، کتاب خانواده در ایران باستان، توسط مرحوم دکتر مظاهری نوشته شده است. کتاب مورد نظر بسیار ارزشمند می‌باشد و نویسنده از بسیاری از منابع اصلی استفاده نموده است، ولی با توجه به اینکه بیش از هشتاد سال از تألیف کتاب می‌گذرد، بعلاوه رشته تخصصی مرحوم مظاهری، تاریخ نمی‌باشد، بنابراین کتاب مذکور دارای اشتباهات علمی و تاریخی می‌باشد. همچنین مظاهری در تحقیق خود بیشتر از کتاب «ماتیکان هزار دادستان» استفاده نموده و کمتر به سایر منابع توجه می‌کند (mazaheri, 1998).

در کتاب «شاهنشاهی ساسانی» نوشته تورج دریایی نیز به وضعیت حقوقی زن در دوره ساسانی اشاره شده است ولی کتاب مورد نظر مربوط به کل تاریخ دوره ساسانی می‌باشد و بطور مختصر به وضعیت زن اشاره می‌نماید. وی در زمینه وضعیت زن در دوره ساسانی می‌نویسد: «جایگاه زنان به موقعیت طبقاتی آنان بستگی داشت. زنان طبقه بالا نظیر ملکه و مادر شاه در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود آزادتر بودند. زنان عادی جزو اموال مرد محسوب می‌شدند. قانونا زنان را برابر با

کودکان و بردگان می دانسته اند و میزان مهریه زنان حدود دوهزار درهم، یعنی برابر قیمت یک برده بوده است» (Daryayi, 2007, p172).

### روش پژوهش

روش پژوهش بصورت توصیفی و تحلیلی می باشد. ابتدا وقایع تاریخی با استفاده از منابع توصیفی و بیان می شود و سپس مورد تحلیل، موشکافی و ارزیابی قرار می گیرند.

### یافته های پژوهش

در راستای پاسخ به این سوال پژوهشی که «آیا وضعیت زن در دوره ساسانی مانند بردگان و اشیاء بود؟» منابع و مآخذ تاریخی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بسیاری از نویسندگان به دلیل برداشت نادرست از سه قاعده مربوط به زنان یعنی ازدواج استقرایی، محدودیت های مربوط به دستان و فرمانبرداری زن از مرد، معتقدند وضعیت زنان در دوره ساسانی مانند بردگان بوده است. در این پژوهش به بررسی این سه مسئله پرداخته شده و در پایان مورد نقد و ارزیابی نهایی قرار می گیرند:

#### ۱- ازدواج نروزد (niruzd) یا استقرایی

نخستین هدفی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد بیان ازدواج استقرایی در دوره ساسانی و بررسی و نقد تاثیر این مساله در بردگی زنان دوره ساسانی می باشد.

#### منظور از ازدواج استقرایی چیست؟

در مورد این نوع ازدواج در کتاب مادیان هزار دادستان می خوانیم: "در کنار چیزهای دیگر، دات فرخ و سیاوخش معتقدند که مرد می تواند پادشاه زن خود را بدون اجازه زنش به مردی که بدون زن و فرزند است و در محرومیت از زن و فرزند تقصیری ندارد، برای ازدواج بدهد و آن مرد نیازمند باید خواسته خود را بطور قانونی و رسمی اعلام نماید.

اگر مرد همسرش را به مرد محتاج و نیازمند بخشید، مال و اموال آن زن به مرد محتاج و نیازمند تعلق نمی گیرند" (madiganihazardadistan'1997, p229). کریستن سن در این زمینه می نویسد: "شوهر حق داشت یگانه زن خود را یا یکی از زنانش را [حتی زن ممتاز خود را] به مرد دیگری که

بی آنکه خود قصوری کرده باشد بسپارد، تا این مرد از خدمات آن زن استفاده کند، رضایت زن شرط نبود. در این صورت شوهر دوّم حق دخل و تصرف در اموال زن را نداشت و فرزندان که در این ازدواج متولد می‌شدند، متعلق به خانواده شوهر اول بودند و مانند فرزندان او محسوب می‌شدند. این قرار، که شاهد دیگری از مشابهت قضایی وضعیت زوجه و کنیز است، با انعقاد پیمان رسمی صورت می‌گرفت، که در طی آن شوهر جدید همه‌گونه مواظبت و نگاهداری زن را در مدّت این ازدواج تعهد می‌کرد (christiansen, 2003, p442).

در کتاب خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام در این زمینه می‌خوانیم: "در این نوع ازدواج، شوهر میرک و زن ژیانک خوانده می‌شد. با این همه، ازدواج جوهر مذهبی داشت و بیشتر از هر جای دیگر در میان اعضای یک زنه اجتماع صورت می‌گرفت. هرگاه که یکی از همکیشان، پاک و بیگناهانه زنش را از دست داده باشد و استطاعت نداشته باشد که برای پروردن و بزرگ کردن فرزندان زنی دیگر بگیرد، می‌تواند از مردی نیکوکار که همسرش فراغت بسیار دارد، خواهش کند که این زن را مدتی در اختیار وی بگذارد. چنین است توضیحی که سیاوش و داد فرخ [که مولف مادیکان هزار دادستان از ایشان نقل کرده است] در این باره داده اند. این یاری که همکیش به همکیش می‌داد و مدتی دوام می‌یافت، ممکن بود موضوع عقدی باشد که یک نفر مزدایی، به موجب آن به زنش اجازه می‌دهد که روزگار، به نام ژیانگ در خانه همکیش درمانده و پریشان به سر بیاورد. نروزد به معنی مستمند و پریشان روزگاری است و این همان معنی نروزدای (neruzda) اوستا هم هست. در واقع این وصلت موقت که برسبیل کفالت انجام می‌پذیرد، جز به اشخاص بدبخت و بسیار پریشان روزگار ارزانی داشته نمی‌شود. سردار ژیانک، همان شوهر اوست و این زن چیزی با خود به نام جهاز به خانه میرک نمی‌آورد و حتی حقی هم بر مهر ندارد و این امر بسیار خوب، نشان می‌دهد که در این میان هیچ نشانه‌ای از ازدواج نیست. ژیانک در آن مدتی که به موجب عقد معین شده است به نگهداری فرزندان مرد می‌پردازد. بی‌گمان زنی که خود بچه داشته باشد، هرگز نمی‌تواند کانون زناشویی را رها کند و برای پرستاری اطفال یکی از همکیشان به خانه او برود. تنها زنان نازا و زنانی که بچه‌هایشان بسیار بزرگ شده بودند و دیگر در خانه احتیاجی به وجود مادر نداشتند می‌توانستند به این گونه خدمت‌ها بپردازند" (Mazaheri, 1998, p102).

در مورد علت و هدف وجود چنین ازدواجی، نویسندگان برداشت‌های متفاوتی اظهار داشته‌اند. کریستن سن معتقد است که این عمل را در دوره ساسانی، از اعمال خیر می‌دانستند و کمک به یک

هم دین تنگ‌دست می‌شمردند (Christiansen, 2003, p443). از نظر احسان یارشاطر، حقوق دانان دوره ساسانی این گونه ازدواج را اقدامی می‌دانستند که آدمی را با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد همبسته می‌ساخت و همچون تکلیفی دینی تقدیس می‌گردید (Yarshater, 1998, p37). علی‌اکبر مظاهری معتقد است که "این نوع ازدواج نظام نیکوکارانه‌ای می‌نماید که همه‌کس از آن خشنود و دلشاد می‌شده است. چنین امری را نه به چشم امری خلاف اخلاق باید نگریست، و نه به اقوی- دلیل، امری خلاف عدل باید پنداشت، زیرا که این هردو، یعنی هرزگی و بیداد، اکراه و تنفّری در مزداییان برمی‌انگیخت" (Mazaheri, 1998, p103). شکی معتقد است این ازدواج، به دلیل تعلق یافتن فرزند زاده شده از ازدواج نرزد به شوهر اصلی ژیانک، برای مردبه دلیل امکان پدیدآمدن وارث و استمرار دوده و برای زن به دلیل معاف شدن از ازدواج چکری پس از مرگ شوهرش سودمند بود. (shaki, 1975, p227).

از نظر بارتلمه "با مطالعه در وضع ازدواج استقراضی بخوبی ملاحظه می‌شود که چگونه باز تصور قدیمی از زن بعنوان "شیء" نه "شخص" خود نمایی می‌کند. فی‌المثل، اعتراض زن نسبت به قرار داد شوهر اصلیش درباره واگذاری موقت او به شوهردیگر بی‌اثر و بی‌اعتبار است. مسئله کودکان وی نیز نظیر وضع حقوق کودکان یک "کنیز" است که برای انجام خدمت، اجاره می‌شد و در مدت اجاره، کودکانی که از وی پا بعرصه وجود می‌گذارند، "ملک" ارباب اصلی او محسوب می‌گردیدند نه ملک کارفرما و ارباب موقت او" (Bartelmeh, 1958, p58).

آیا ازدواج استقراضی نشانه بردگی زن در دوره ساسانی می‌باشد؟ آنچه در نتیجه بررسی ازدواج استقراضی به آن رسیده ایم این است که همان‌طور که به نقل از مادیان هزارادستان ذکر شد، این نوع ازدواج فتوای دو تن از حقوق دانان دوره ساسانی به نام "دات فرخ" و "سیا و خش" می‌باشد نه قانون کلی. یعنی اینکه این دو نفر چنین نظری ارائه می‌نمایند و مشخص نیست که سایر حقوق دانان فتوای آن‌ها را پذیرفته باشند. دلیل دیگری که می‌توان در مورد عدم رواج این رسم در بین ایرانیان دوره ساسانی ذکر کرد این است که در هیچ کدام از منابع دوره ساسانی و بعد از ساسانی آبه جز مادیان هزار دادستان، به وجود ازدواج نرزد اشاره نشده است. اگر به نوشته مادیان توجه کنیم، این نوع ازدواج را امری خیر خواهانه و کمک به هم‌نوع ذکر می‌کند. پس چرا در متون مذهبی زرتشتی به این امر خیر خواهانه هیچگونه اشاره‌ای نشده است؟

مورد دیگر که در مورد این رسم می‌توان ذکر نمود، این است که چنین ازدواجی ساختار و کیان خانواده را به هم می‌زند. اگر مرد همسرش را به دیگری بدهد، بدون توجه به میل و خواسته زن، ساختار خانواده از هم پاشیده می‌شود، به خصوص اگر این زن دارای فرزند نیز باشد.

## ۲- دشتان

دومین هدف پژوهش حاضر مطالعه و تحقیق در مورد مساله دشتان و انزوای زنان از سایر اعضای خانواده در این مدت و بررسی و نقد تاثیر آن بر بردگی زنان دوره ساسانی می‌باشد. چرا بسیاری از محققین معتقدند که مساله دشتان نشانه وضعیت بد زن در دوره ساسانی و بردگی او می‌باشد؟ یکی از مسائل مربوط به زنان در دوره ساسانی، مسئله دشتان یا عادت ماهیانه بود. دشتان به معنای داغ نشانه و علامت است. داغ اهریمنی از آن جهت که به موجب گزارش بند هش، "اهریمن چون [از اهورا مزدا] شکست خورد، ناتوان شده و به ناتوانی سه هزار ساله بیفتاد. دیوان کماله، یعنی کمالگان که در سر همه [دیوان] قرار دارد، هر یک جدا جدا به بالین اهریمن شده و گفتند: بر خیز، ای پدر ما، آنچنان با هرمزد و امشاسپندان، پیکار کنیم که شکست یابد. اما اهریمن آن چنان ترسیده و ناتوان شده بود که بر نمی‌خواست. سرانجام جهی، آن ماده دیو تبهکار به بالین پدر شده و چنان رجز خواند و پیمان یاری و همکاری بست تا در کنار اهریمن، آفرینش نیک هرمزد را تباہ کند، که سرانجام اهریمن برخاست و از آن ناتوانی به درآمد و شادمان شد و سر جهی را بوسید. از آن بوسه این پلیدی که دشتانش نامند بر جهی عارض شد» (Bondahesh, 1999, p51). براساس کتب مذهبی زرتشتی، زنان در مدت قاعدگی آلوده محسوب شده و برای اینکه آلودگی آنها به دیگران سرایت نکند، می‌بایست در یکی از اتاق‌های خانه، جدا از سایر اعضای خانواده بسر برند تا وقتی که دوره دشتان به پایان رسد. در کتاب وندیداد در این مورد می‌خوانیم: "ای دادار گیتی استومند، ای آشو اگر اندر خانه مزدا پرستان زنی حیض ودشتان و خون‌مند بنشیند، چه گونه با او رفتار کند آنان که مزدا پرستان {هستند}؟ آنگاه گفت اهورا مزدا: ایدون برای او آنان که مزداپرست هستند، راهی برای رسیدن به دشتانستان برگزینند که در پیرامون، از گیاهان و گل سرخ و از درختان تهی باشد. اگر نه زن دشتان آتش را ببیند" (Vandidad, 2006, fargard of 16).

بر اساس کتاب روایات داراب هرمزدیار، "هرگاه زنی دشتان شود، لازم است نخست جامه‌های خود را به در آورده و جامه ویژه دشتان‌مندی پوشد. پس به محل دشتان برود و آن اطاق و جایگاهی است

در خانه‌دور از محل سکنای اهل خانه که پانزده گام از آب و آتش، گیاه و برسم دور باشد و هیچ گاه مردم پاک از فاصلهٔ بیش از سه گام به وی نزدیک نشوند. اما چشم زن دشتان به هرچه افتد، هر چند به اندازهٔ هزارگام فاصله باشد، باید رعایت احکام شرع بشود. خوراک را در طاس باید داد. دو کیسهٔ پاک و یک ظرف که در آن نیرنگ<sup>۱</sup> باشد باید در برابر زن قرار داد، چنان که در تماس با او نباشد. زن نخست باید دست و روی با نیرنگ بشوید. پس دو کیسه را که چون دست‌کش است طوری بردارد که با جامه‌اش تماس نیابد. دست‌کش‌ها را به دست کند. از دیگر وسایل برای استفادهٔ زن، چمچمه یا یک ملعقه است. با آن دست که در کیسه کرده، دنب یا دستهٔ ملعقه یا چمچمه را گرفته و از طاس خوراک بخورد. لازم است کوشش و دقت شود که کیسه به آب و نان یا خوراک نخورد و ملعقه فقط تماس یابد. چون خوراک خوردن تمام شد، از دو کیسه، آن که بزرگ‌تر است، طاس را در آن قرار دهد و کیسه دیگر را روی آن گذارد و در گوشه‌ای بنهد و تا وقتی که دست را با نیرنگ نشسته باشد، دیگر باره دست به آنها نبرد. اگر طاس یا کیسه به جامه زند، لازم است که جامه اش با نیرنگ و آب، با آداب بشوید تا پاک شود. آنگاه خود را نیز با آداب، با نیرنگ بشوید تا از پلیدی به در شود (Hormozdyar, 1922, p25). تمامی این آداب و رسوم سخت برای این انجام می‌گرفت که فکر می‌کردند در هنگام دشتان، زن آلوده می‌شود و بدین صورت باید وی را پاک نمود. بر اساس کتاب دینکرد هنگامی که دیو نسوش وارد نگاه زن دشتان شود، آلودگی آن زن از آلودگی جسد مرده و سگ نیز بیشتر می‌شود (denkard, 1897, p47). به گفته مسیحیان، در دین مغان بیشترین اهمیت را به این موضوع می‌دادند که زنان را طی عادت ما هیانه جدا نگاه می‌داشتند (Boyce, 2002, p107).

((ارداویراف)) در جهان آخرت، در میان کسانی که تحت آزار و شکنجه بودند، زنی را می‌بیند که علت عذاب دادن وی این بود که هنگام دشتان، آداب مربوط به زن دشتان را رعایت ننموده و به سوی آتش و آب رفت (Ardavirafnameh, 2003, p66). محدودیت‌های مربوط به زنان هنگام قاعدگی، فقط مربوط به ایرانیان در دوره باستان نمی‌باشد. رویکرد جوامع گوناگون نسبت به یک واقعه بیولوژیکی واحد متفاوت است. نحوهٔ پرورش کودکان و روابط کودکان و والدین که پدیده‌هایی

<sup>۱</sup> ادراک گاو متبرک شده که برای ضد عفونی استفاده می‌کردند.



طبیعی به نظر می‌رسند، در واقع توسط شیوه‌های متنوع فرهنگی شکل می‌گیرند. به عنوان مثال جامعه پذیری دختران در اولین قاعدگی ایشان به انحاء گوناگون عینیت می‌یابد.

برخی سرخ‌پوستان کالیفرنیا تصور می‌کردند که دختران جوانی که به سن بلوغ می‌رسند، برای قبیله خطراتی عظیم به بار می‌آورند؛ پس برای جلوگیری از گزند رساندن به محصول، آنان را مجبور می‌ساختند که حتی المقدور به این سو و آن سو نروند و در میان قبایل ناحیه کلمبیا بریتانیا، دختران در این مرحله از زندگی ناگزیر بودند مناسکی سحرآمیز را اجرا کنند که این، آینده آنان را به عنوان زن شکل می‌داد. در جزایر گیلبرت واقع در غرب اقیانوس آرام، این قبیل دختران خطرناک تلقی نمی‌شدند بالعکس عقیده بر این بود که خود در معرض خطر قرار داشتند و می‌بایست تحت مراقبت قرار گیرند (Segalan, 2001, p200). این زمینه در کتاب تورات می‌خوانیم:

"و اگر زنی جریانی که در بدنش است خون باشد، هفت روز در حیض خود به ماند و هرکس که او را لمس نماید تا شام نجس باشد. و اگر مردی با او همبستر شد، حیض او بروی باشد تا هفت روز نجس خواهد بود و هر بستری که بر آن به خوابد نجس خواهد بود و زنی که روزهای بسیار غیر از زمان حیض خود جریان خون دارد یا زیاده از زمان حیض خود دارد، تمامی روزهای جریان نجاستش مثل روزهای حیضش خواهد بود او نجس است، و هر بستری که در روزهای جریان خود بر آن بخوابد مثل بستر حیضش برای وی خواهد بود، و هر که این چیزها را لمس نماید نجس می‌باشد، پس رخت خود را به شوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد، و اگر از جریان خود طاهر شده باشد، هفت روز برای خود به شمارد و بعد از آن طاهر خواهد بود" (bible, 2007, p136).

محدودیت زنان در زمان دستان در میان اعراب نیز وجود داشته است. طبری هنگام ذکر حمله شاپور اول ساسانی (۲۴۰-۲۷۰ میلادی) به شهر حضر<sup>۱</sup> می‌نویسد: "شاپور شهر را محاصره نمود و چنان شد که دختر ضیزن<sup>۲</sup>، نصیره نام داشت و از زیبا ترین زنان روزگار خویش بود، آزار زنانه<sup>۳</sup> داشت و بیرون شهر فرستاده شد و رسم بود که زنان را به هنگام آزار برون می‌کردند" (Tabari, 1996, p591). "مارتین سگالن" معتقد است که مردان درباره نیروهای مبهمی که زنان در اختیار داشتند امثلاً کارهای مختلف‌خانه را انجام می‌دادند از بیماران پرستاری کرده و حیات نو را

<sup>۱</sup> واقع در عراق امروزی، مقابل تکریت

<sup>۲</sup> پادشاه حضر

<sup>۳</sup> عادت ماهیانه

می‌آفریدند و غیره] نا آرام و نگران بودند و نتیجه این احساس، همانا محدودیت‌هایی بودند که هنگام گذراندن دوره قاعدگی اعمال می‌شدند (segalan, 2001, p237).

آیا محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان در هنگام دشتان، نشانه وضعیت بد و بردگی او بود؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که مسئله دشتان، نشان‌دهنده مقام و موقعیت بد زنان در خانواده و جامعه دوره ساسانی نمی‌باشد. روحانیون و موبدان زرتشتی احکام بسیار سختی صادر کرده بودند که تمامی اعضای جامعه موظف به پیروی از این قوانین بودند. دختران و زنان نیز مانند سایر اعضای جامعه، درگیر این گونه احکام دست و پاگیر بودند. یک بهدین یا زرتشتی در صورت ارتکاب گناهی کوچک، موظف بود کفاره سنگین بپردازد. در زیر برخی از این گونه احکام دست و پاگیر به عنوان نمونه ذکر می‌شود: " کسی که به گناه کاری، نسایی (جسد مرده) در آب افکند، در جای مرگ رزان (شایسته مرگ) شود" (Shayest nashaist, 1990, p29).  
 " هر که آتشی را بکشد<sup>۱</sup>، پس باید ده آتش را بچیند<sup>۲</sup> و ده بار پادافراه<sup>۳</sup> ببرد<sup>۴</sup> و ده مورچه بکشد و زوهر<sup>۵</sup> به آتش بهرام بدهد (Ibid).

" هر که نسارا به تنهایی حمل کند، مرگ ارزان است." (Ibid).  
 " اینکه چون ناخن حلال کنند<sup>۸</sup> باید که در کاغذی کنند. باژ سروش<sup>۹</sup> فراز باید گفتن<sup>۱۰</sup> او سه یتاهو ویریو بگفتن. بهر یتا اهو ویریو بگفتن اوستا اینست: پس باژ چنان که گرفته باشد، پی در خط کند. بدان دو یتا اهویریو که باز می‌کند. بهر یکی از خطها قدری خاک در میان ناخن کند، خاک در میان ناخن کردن و بدشت بردن، باید که چهار انگشت زمین فرو برد و در آنجا ناخن‌ها را نهد و خاک فراز سر کند" (Saddarbondaresh, 1909, p82). علاوه بر موارد ذکر شده، ده‌ها مورد احکام

<sup>۱</sup> خاموش کند

<sup>۲</sup> برپا کند

<sup>۳</sup> مجازات

<sup>۴</sup> ببیند

<sup>۵</sup> zohr = نثار و پیشکشی

<sup>۸</sup> بچینند

<sup>۹</sup> نوعی دعا

<sup>۱۰</sup> باید خواندن

دست و پاگیر در کتاب‌های مذهبی زرتشتی می‌توان مشاهده نمود که توسط موبدان زرتشتی ایجاد شده و همهٔ بهدینان چه مرد و چه زن موظف بودند از این احکام پیروی نمایند. احکام مربوط به دشتان نیز از این گونه فرامین می‌باشند.

در کتاب ((صد در بند هش)) آمده است که اگر زنان نتوانند در هنگام دشتان یا قاعدگی - که فقط سه روز بود - احکام مربوطه را بجای آورده و دور از اعضای خانواده بسر برند، می‌توانستند دعاهای مخصوصی را خوانده و باخواندن این دعاها گناهان آنها بخشوده می‌شد و نیازی به رفتن به دشتانستان و رعایت آداب و احکام مربوط به آن نبود (Ibid, p110). بنابراین دختران و زنان در هنگام قاعدگی می‌توانستند بجای انجام احکام دست و پاگیر، دعاهای مخصوص را بخوانند و با سایر اعضای خانواده بسر برند.

### ۳- اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهر

سومین هدف این پژوهش بررسی فرمانبرداری زنان از شوهران خود در دوره ساسانی و نقد تاثیر این مساله در بردگی زنان می باشد.

آیا زنان در دوره ساسانی موظف بودند مطیع و فرمانبردار شوهر خود باشند؟

بعد از ازدواج، زن زیر سرپرستی و اختیار شوهر در می‌آمد و موظف بود از وی اطاعت کند. وضع و موقع او را در اسناد حقوقی "فرما نبور تاریه" توصیف می‌کردند (yarshater, 1998, p34). در متون مذهبی زرتشتی که بعد از سقوط دورهٔ ساسانی تألیف یافته اند، دستورات فراوانی در مورد اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهرش آمده است.

بر اساس کتاب یادگار بزرگمهر: "و آن زن نه به زن باید داشتن که فرمانبردار شوی نبود و زیان و اندوه و رامش شوی همچنان آن خویش ندارد، با شوی همسو و همزبان نبود، چه او از هر دشمن بدتر است" (yadegarbozorgmehr, 1975, p258) و طبق نوشتهٔ کتاب مینوی خرد، "این چند تن را فرمانبردار باید بود باید کرد: زن شوهر را و فرزند، پدر و مادر و سالار و دستور (روحانی) و استاد و قیّم و خویشاوند عاجز را" (Minooyekherad, 2006, p54). براساس نوشتهٔ صد در بند هش، نا نیکهیت دیو، باعث می‌شود زن نسبت به شوهر خود نا فرمانی کند" (Saddarbondahesh, 1909, p72). تنسر، یکی از بلاهایی را که قبل از روی کار آمدن اردشیر (۲۲۴-۲۴۰) بنیانگزار سلسله

ساسانی برسر ایرانیان آمد این می داند که زنان بر شوهرانشان فرمانفرما شدند، ولی اردشیر بابکان - اقتدار شوهر را در خانواده از نوزنده کرد (Tansar letter, 1975, p60).

" ارداویراف" در جهان آخرت زانی را مشاهده می نماید که در بهشت در جامه هایی از زر و گوهر بسر می بردند، وقتی دلیل آن را می پرسد چنین پاسخ می شنود که: «اینها روان زانی هستند که در گیتی آب را خشنود کرده اند، آتش را خشنود کرده اند، زمین گیاه، گاو، گوسفند، و همه آفریده های خوب دیگر اورمزد را خشنود کرده اند. آنها همچین فرمانبردار شوهر خویش بودند» (Ardavirafnameh, 2003, p58) و در دوزخ روان زانی را مشاهده می کند که تحت شکنجه هستند و علت آن را به او چنین ذکر می کنند:

"این روان آن زن دروندی (گنهکار) است که در گیتی به شوهر و سالار خویش برای توجیه کارش پاسخ داد و سگ زبان بود و نافرمانی کرد و خواسته (مال و ثروت) از شوهر دزدید و نهانی اندوخته خویش کرد." (Ibid, p81).

بر اساس قانون نامه مربوط به دوره ساسانی، زن می بایست از شوهر خود اطاعت نماید و نافرمانی زن بر اساس این کتاب عبارت بود از اینکه: "زن وظایف و تکالیف عادلانه و درستی را که شوهرش به او گفته انجام ندهد، اما سخنان غیرعادلانه و نادرست وی را اجرا کند" (madiganihazardadistan, 1997, p255).

بنابراین طبق کتاب مادیان هزار دادستان، زن موظف بود سخنان عادلانه و درست شوهر خود را اجرا نماید و اگر خواسته شوهرش درست و عادلانه نبود، نه تنها می توانست بلکه موظف بود از اجرای آن سر پیچی نماید. اگر زن نسبت به شوهر خود نافرمان بود، مرد موظف بود که در دادگاه نافرمانی زن را ثابت کند، در صورتی که نافرمانی زن نسبت به شوهر در دادگاه ثابت می شد، اموال زن به شوهرش تعلق می گرفت (ibid). البته زن بدون دارایی باقی نمی ماند، بلکه اموالی که متعلق به زن بودند در دستش باقی می ماند:

"اگر زن نسبت به شوهرش نافرمان باشد، نمی توان زن را بدون دارایی نگه داشت، اموالی که زن دارا می باشد، به او تعلق دارد" (Ibid, p253).

بنابراین اگر نافرمانی زن در دادگاه ثابت می شد، اموالی را که شوهر به زنش در طول زندگی داده بود به مرد برگشت داده می شد، ولی دارایی خود زن در دستش باقی می ماند. مردی که خانواده

خود را اذیت می‌کرد، مورد نکوهش بود. در کتاب یادگار بزرگمهر می‌خوانیم: "چه کسی آزار دهنده تر است؟ شوی سهمگین بد رفتار" (yadgarbozorgmehr, 1975, p112).

آیا اطاعت و فرمانبرداری زن از شوهر خود نشانه وضعیت بد زن و بردگی او می‌باشد؟ آنچه به عنوان نتیجه تحقیق و بررسی می‌توان اظهار نمود این است که در دوره ساسانی، زن موظف بود نسبت به شوهر خود فرمان بردار باشد؛ ولی شوهر حق نداشت نسبت به همسر و فرزندان خود ظلم و ستم روا دارد. اگر چنین می‌کرد زن می‌توانست از شوهر خود به دادگاه شکایت نماید. امروزه نیز در کشور ما زنان باید فرمانبردار شوهر خویش باشند و این مسئله فقط به ایران اختصاص ندارد. در بسیاری از کشورهای جهان، اطاعت زن از مرد پذیرفته شده می‌باشد و این به معنی بردگی زنان نیست.

## بحث و نتیجه گیری

در مورد وضعیت زن در دوره ساسانی تاکنون پژوهش جامع و علمی مستقلی انجام نگرفته و پژوهشگران بطور مختصر به این مساله بسیار مهم پرداخته اند. قدیمترین پژوهش در زمینه وضعیت زن در دوره ساسانی توسط کریستیان بارتلمه در کتاب «زن در حقوق ساسانی» در سال 1958 میلادی نگارش یافته است. بارتلمه در این اثر مبنای کار خود را فقط کتاب قوانین دوره ساسانی یعنی «ماتیکان هزار دادستان» قرار داده و سایر منابع را مورد بررسی قرار نداده است. وی معتقد است: «در امپراطوری ساسانی بنابر قوانین متداول از قدیم، زن شخصیت حقوقی نداشت. یعنی زن شخص فرض نمی‌شد بلکه شیئی پنداشته می‌گردید. بطور خلاصه زن دارای حقوقی نبود (bartelemeh, 1958, p40). در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» نوشته آرتور کریستن سن بطور مختصر به خانواده ساسانی پرداخته شده و نظریات «بارتلمه» تکرار می‌شود (Christiansen, 2003). علاوه بر این در زمینه نهاد خانواده در دوره ساسانی، کتاب خانواده در ایران باستان، توسط دکتر مظاهری نوشته شده است. این کتاب رساله دکتری مرحوم مظاهری در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی می‌باشد. کتاب مورد نظر بسیار ارزشمند می‌باشد و نویسنده از بسیاری از منابع اصلی استفاده نموده است، ولی با توجه به اینکه بیش از هشتاد سال از تألیف کتاب می‌گذرد، بعلاوه رشته تخصصی مظاهری، تاریخ نمی‌باشد، بنابراین کتاب مذکور دارای اشتباهات

علمی و تاریخی می باشد. همچنین مظاهری در تحقیق خود بیشتر از کتاب «ماتیکان هزار داتستان» استفاده نموده و کمتر به سایر منابع توجه می کند (Mazaheri, 1998).

در کتاب «شاهنشاهی ساسانی» نوشته تورج دریایی نیز به وضعیت حقوقی زن در دوره ساسانی اشاره شده است ولی کتاب مورد نظر مربوط بهکل تاریخ دوره ساسانی می باشد و بطور مختصر به وضعیت زن اشاره می نماید. وی در زمینه وضعیت زن در دوره ساسانی می نویسد: «جایگاه زنان به موقعیت طبقاتی آنان بستگی داشت. زنان طبقه بالا نظیر ملکه و مادر شاه در فعالیت ها و تصمیم گیری های خود آزادتر بودند. زنان عادی جزو اموال مرد محسوب می شدند. قانونا زنان را برابر با کودکان و بردگان می دانسته اند و میزان مهریه زنان حدود دوهزار درهم، یعنی برابر قیمت یک برده بوده است» (Daryayi, 2007, p172). بنابراین اکثر پژوهشگران امروزه معتقدند که وضعیت زن در دوره ساسانی مانند بردگان بود و از هیچ گونه حقوقی برخوردار نبوده است.

بررسی و مطالعه در متون معتبر تاریخی نشان می دهد که علت بیان این نظریه وجود سه مسئله یا قاعده مربوط به زنان در دوره مورد نظر می باشد که این سه قاعده عبارتند از: ۱- ازدواج استقراضی ۲- محدودیت های مربوط به زنان در هنگام دشتان یا عادت ماهیانه ۳- اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به مرد. باید اظهار داشت که ازدواج استقراضی فتوای دو نفر از حقوقدانان دوره ساسانی بوده مبنی براین که مرد می تواند همسر خود را بدون توجه به نظروی به مردی که نیازمند است بصورت قرضی بدهد و این فتوا قانون لازم الاجراء نبوده است. زنان در دوره دشتان و عادت ماهیانه می بایست به دور از سایر اعضای خانواده در اطافی که دشتانستان نام داشت تا پایان- دشتان بسر برند. موبدان ساسانی که در زمینه اعتقادات مذهبی متعصب بودند، قوانین و محدودیت های زیادی هم برای زنان و هم برای مردان ایجاد کرده بودند و این ربطی به جنسیت نداشت. علاوه براین براساس متون مذهبی زرتشتی، زنان و دختران در هنگام دشتان می توانستند اوراد مذهبی خاصی را خوانده و با سایر اعضای خانواده بسر ببرند. درمورد اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به مرد باید گفت که در دوره ساسانی زن موظف بود فرمان بردار شوهر خود باشد ولی قانون برای مرد محدودیت هایی قرار داده بود بطوری که وی نمی توانست اعضای خانواده را مورد آزار و اذیت قرار دهد. در بسیاری از کشورهای امروزی نیز زنان موظفند فرمانبردار شوهر خود باشند و این به معنی بردگی زنان نمی باشد. علاوه براین به هیچ وجه نمی توان وضعیت زن دوره ساسانی را با برده مقایسه نمود زیرا بردگان کمتر مورد حمایت قانون بودند ولی زن از امتیازات و حمایت های قانون در زمینه

های متفاوت برخوردار بود. مثلاً دختر را نمی توانستند به زور شوهر دهند و هنگام خواستگاری نظر دختر خیلی مهم بود، دختر می توانست طبق قانون برخلاف میل پدر و سرپرست خود با شخص دلخواهش ازدواج نماید، زن حق طلاق داشت و ... بنابراین وضعیت زن در دوره ساسانی هرگز مانند بردگان و اشیاء نبود و زنان از امتیازات بالایی برخوردار بودند که نمونه آنرا در سایر کشورهای عصر باستان نمی توان مشاهده نمود.

### References

- Bartelmeh, C. (1958). *Woman in Sassanid Law*, translated by: Naser al-Din Sahib al-Zamani, Tehran: Press Institute. (Persian)
- Boyce, M. (2002). *Zoroastrians with their religions and rituals*, translated by: Askar Bahrami, Tehran: Phoenix press. [Persian]
- Christian Sen, A. (2003). *iran during the Sassanids*, translated by: Rashid Yasemi, Tehran: Book World press. [Persian]
- Daryayi, T. (2007). *kingdom of sassanied*, translated by: mortwza thagheb far, Tehran: ghoghnuus press. [Persian]
- Denkard. (1897). Translated by: E. W. West, oxford university press. (English)
- madigani Hazar Dadistan. (1997). translated by: Anahit Perikhanian, Columbia university Newyork: Mazda press. [English]
- Mazaheri, A. (1998). *The Iranian Family in Pre-Islamic Times*, translated by: Abdullah Tavakol, Tehran: Qatreh press. [Persian]
- Segalan, M. (2001). *Sociology of the Family*, translated by: Hamid Eliassy, Tehran: Markaz press. (Persian)
- shaki, M. (1975). *the consept of obligated successorship in the madiani hazar dadistan*. London . [English]
- Shaki, M. (1971). *The sasanian Matrimonial Relations*, Archiv Orientalni press. [English]
- Tabari, M. (1996). *History of Tabari or the History of the Messenger and the Kings*, translated by :Abu al-Qasim Payende, Tehran: Asatir press. [Persian]
- Ardavirafnameh. (2003). *Flip Ginio*, translation and research by: Jaleh Amoozgar, Tehran: Moin press. [Persian]
- Bible "Old Testament". (2007), Ilam press. [Persian]
- biruni, A. (2006). *athar albaqiyah*, translated by: akbar danasereshte, Tehran: amirkabir press. (Persian)
- bondahesh. (1999). edited by Mehrdad Bahar, Tehran, Toos press. [Persian]
- Hejazi, B. (1991). *A Woman Suspected of History*. Tehran: Shahrab press. [Persian]

- hormozdyar, D. (1922). revayat of Darab Hormozdiar, edited by Arvad Mankeji Rostamji, bumbai: Indiapress. [Persian]
- Minooye Kherad. (2006). translated by: Ahmad Tafazli, Tehran: Toos press.[Persian]
- sad dar nasr. (1909). edited and translated by: Arvad Damanji Nesavanji, India: Persian press. [Persian]
- Saddarbondaresh. (1909). correction and translation by: Arvad Bamanji Nesavanji, India: Pars press.[Persian]
- Shayest Na Shaist. (1990). Phonography and Translation by: Katayoun Mazdapour, Tehran: Cultural Studies and Researchpress [Persian]
- Tansar letter to Gashnesb. (1975). edited by: Mojtaba Minavi, Tehran: Kharazmi press.[Persian]
- Vandidad. (2006). translated and researched by: Hashem Razi, Tehran: Behjat press.[Persian]
- Yadegar Bozorgmehr.(1975). translated by: Mahyar Navabi, Shiraz: Asian Institute press. [Persian]
- Yadegar Ja Masp.(2004). translated by: Sadegh Hedayat, Tehran: Jame Daran press.[Persian]
- Yarshater, E. (1998). history of iran,vul of 3,translated by: hasan anusheh, Tehran: amirkabir press.[Persian]